

## در انتظار طوفان در شورای عالی کار!

مصطفی اسدپور - صفحه ۳

## اعتصاب اتحادیه های کارگری در بلژیک

امان کفا

همراه با فراخوان اتحادیه های اصلی کارگری بلژیک، سه روز اعتصاب در این هفته برگزار شد. در روزهای دوشنبه و سه شنبه اعتصاب در بخش دولتی و سپس در روز چهارشنبه همراه با اتحادیه های کارگری در بخش خصوصی، اعتصاب سراسری همه جا را در بر گرفت. این اعتصاب بزرگترین همبستگی سراسری را پس از اعتراضات ۱۰ ماه پیش در این کشور رقم زد.

یک روز قبل تر، یکشنبه، اعتراضات به خشونت علیه زنان رقم خورد و دوشنبه اعتصاب کارگران حمل و نقل با خواباندن رفت و آمد کشتی ها، اتوبوس ها، آغاز گشت و بدنبال آن مدارس، بیمارستان ها و دیگر مراکز خدماتی دولتی و ... شکل گرفت و در فرودگاه ها، پروازها لغو شدند. چهارشنبه اعتصاب سراسری در اعتراض به حمله دولت به حقوق و دستاوردهایی که طبقه کارگر به سرمایه داری تحمیل کرده بود، عملاً کشور را فلج کرد.

دولت دست راستی دی ویور که هشت ماه بعد از انتخابات سراسری بلژیک با ائتلافی از پنج حزب در ماه فوریه امسال به قدرت رسید اعلام کرد که تصمیم دارد که کسری بودجه و فرض های دولت را با افزایش و گسترده تر کردن دامنه مالیات ها، کاهش امکانات و خدمات اجتماعی، ... تامین کند. در عین حال دی ویور با تکرار اراجیف آشنا نظیر «یکسان سازی»، «تراز کردن درآمد ها و مخارج دولتی»، قصد دارد که با اقداماتی چون افزایش سن بازنشستگی، و لغو قانون «افزایش حقوق کارگران بنا به نرخ تورم سالانه»، سیاست های ریاضت اقتصادی را برای این دوره دولت خود به پیش برد.

در طی ۲ سال اخیر، بلژیک شاهد اعتصابات و تظاهرات های گسترده بوده است و فشار از پایین بر علیه تعرض به درآمد و سطح زندگی در اقصاء جامعه و مناطق اصلی دولت فدرال به حد قابل توجهی راه را برای پیشروی حاکمان سد کرده بود. اما، اینبار دولت با پشتگرمی از سران اتحادیه اروپا، اعلام کرد که بلژیک، این ششمین اقتصاد مهم اتحادیه اروپا، گویا مجبور است که با تحمیل ریاضت اقتصادی بیش از ۹ میلیارد یورو کسری را به فوریت تامین کند. ... صفحه ۳

- کارگران جهان متحد شوید! -

## به مناسبت سالگرد شانزده آذر، روز دانشجو!

رنسانس در ایران، جایگاه

جنبش جوانان آزادیخواه و برابری طلب!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

روز دانشجو در دوران معاصر ایران پس از جمهوری اسلامی، تاریخی بسیار فراتر از ریشه های خود در گذشته پیشاجمهوری اسلامی ایران دارد.

اگر روز دانشجو در دوران حکومت پشین، نماد مخالفت جوانان روشنفکر با دیکتاتوری بطور کلی بود بدون آنکه تصویر روشنی از محتوا و مضمون آزادیخواهی و برابری طلبی داشته باشند! روز دانشجو در دوران جمهوری اسلامی اما، نماد دفاع و جدال یک جنبش وسیع اجتماعی جوانان در ایران، از آزادی بود که محتوا و مضمون آن بطور کلی روشن بود. آزادی و برابری، عدالت اجتماعی و ارزشهای انسانی، پرچم و محتوای جدال سه - چهار نسل از جوانان ایران بود که دانشگاهها سنگر آن بود و شانزده آذر، روز دانشجو نماد آن! ... صفحه ۲

## ممنوعیت «قیمت گذاری دستوری»

(رئیس جمهور که اقتصاددان نمیخواست باشد!)

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی) - صفحه ۲

کرانه باختری: شرکت جبهه متحد کارگری در

تجمع «روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان» و

حمله ارتش اسرائیل - صفحه ۲

## نسیم سوسیالیسم!

مظفر محمدی

در انتخابات شهرداری نیویورک، بزرگ ترین شهر امریکا، زهران ممدانی که خود را مسلمان و سوسیالیست می نامد با رای بالا برگزیده شد. همزمان در کپنهاگ پایتخت دانمارک حزب چپ سوسیالیست برنده انتخابات شهرداری این شهر شد. چند دهه مدیریت این شهر را حزب سوسیال دمکرات که جناح چپ احزاب بورژوازی را تشکیل میدهد، بر عهده داشت.

میدیای بورژوازی عروج چپ نو به نام سوسیالیست را شکست جناح راست بورژوازی حاکم اعلام کردند و گفتند این پایان یک دوره و آغاز دوره جدید است.

صرفنظر از این که زهران ممدانی شهردار جدید نیویورک و حزب چپ سوسیالیست دانمارک چقدر سوسیالیست اند یا نه، اما این تغییر و تحول به نام سوسیالیسم نشان از ورشکستگی بازار آزاد انجام گسیخته و سنت دمکراسی دروغین بورژوازی حاکم بر جهان است. جهانی که استثمار طبقه کارگر، فقر عمومی، فشار اقتصادی و هزینه های زندگی، بیکاری و تبعیض و ستم اقلیت حاکم بر اکثریت زحمتکشان جامعه، نهادینه و تحمیل شده است. ... صفحه ۵

آزادی برابری حکومت کارگری

از بدو تولد ارتجاع اسلامی در ایران، دانشگاهها سنگر دفاع از دستاوردهای کسب شده مردم در سیر سرنگونی دیکتاتوری پهلوی، یعنی سنگر دفاع از آزادی تشکل های مردمی، دانشجویی و کارگری، آزادی اجتماع و اعتصاب، آزادی عقیده و بیان، برابری زن و مرد و همه آزادیهایی بود که مردم در انقلاب بدست آورده بودند.

از این رو همراه با سرکوب جنبش کارگری، سرکوب و تسخیر دانشگاهها، اولین اولویت ارتجاع اسلامی در سیر شکل دادن به قدرت خود در ایران، برای بازپس گیری دستاوردهایی بود که مردم، کارگر و دانشجو و زن و مرد، به زور کسب کرده بودند!

از روز تولد و پیدایش جمهوری اسلامی، طی ده ها و تجربه چهار نسل، دانشگاهها همواره، گاه علنی و رو در رو و گاه مخفیانه و زیرزمینی، سنگر مقاومت در مقابل ارتجاع اسلامی در ایران بود که قربانیان بی شماری داد! اسلامی کردن دانشگاهها، حذف دختران از بخش مهمی از رشته ها، تبدیل دانشگاهها به مساجد و پادگان و منبر آیت الله ها و نماز جمعه ها، برای «پرکار» نگاه داشتن ماشین پروپاگاندهای ارتجاع اسلامی، تصفیه کامل آنها از هرگونه حرکت و نهاد متمدنانه و غیراسلامی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه، مهمترین اولویت ارتجاع اسلامی تازه به قدرت رسیده در ایران بود. تعرضی که تنها با خون پاشاندن به دانشگاهها و ایجاد یک اختناق قرون وسطایی ممکن شد! پدیده ای که امروز عملاً «تاریخی سپری شده» است.

بازگشت به منشا شانزده آذر پیشاجمهوری اسلامی، بعنوان اولین و آخرین آرمان جوانان انقلابی در ایران، هم برای جریان های پشت به حاکمیت و هم اپوزیسیون های درونی و بیرونی مرتجع آن، تنها و تنها برای پنهان نگاه داشتن جدالی است که در دانشگاههای سراسر ایران علیه حاکمیت «جدید» شکل گرفت. جدالی تاریخی، غنی، عمیق، اجتماعی و آگاه که گسستی تاریخی با منشا این روز کرده است. گسستی که به تحولات سیاسی عمیق جامعه ایران گره خورده است. تجربه «دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب (دب) (۱۳۸۸) - (۱۳۸۵) و مقابله خشن ارتجاع اسلامی حاکم با آن پس از تعرض خونین «انقلاب فرهنگی» دهه های قبل تر، نقطه عطف این گسست بود. نقطه عطفی که دست ارتجاع اسلامی در تحرکات دانشجویی و جوانان را عملاً قطع کرد!

لازم است به مناسبت شانزده آذر به تاریخی که یکی از خشن ترین حکومت ها، طی چهار دهه جنگ و جدال جوانان در ایران، شکست خورد، پرداخت! به تجربه نسل هایی که با آرمان آزادی و برابری، ابزار های سیاسی و ایدئولوژیک حاکمیت را بی اثر کردند و بساط شان را از محیط های آموزشی و زندگی جوانان و نوجوانان جمع کردند، در جزئیات پرداخت. جمع شدن بساط انجمن های اسلامی و شوراهای اسلامی و گشت ها و کنترل ها و تعرض به دختران و نوجوانان در مدارس و دانشگاهها و کارخانه ها و بیمارستانها و تمام محل های کار و زندگی، هرچند که به بهای سنگینی بدست آمده باشد، همه و همه بیان تحولاتی جدی در جامعه ایران، پشت راست کردن جنبش کارگری با پرچم برابری و رفاه و آزادی و پلاریزاسیون در جامعه بود و همزمان پیشروی های جنبش جوانان در ایران است که دانشگاهها یکی از مهمترین ارکان آن بوده است و برابری زن و مرد و حق کارگر، محوری ترین مطالبه آن!

لازم است به مناسبت روز دانشجو، سیر تغییرات به زور تحمیل شده جنبش جوانان در ایران، از انقلاب فرهنگی و حمله نظامی به دانشگاهها در دهه شصت و خون پاشاندن به دانشگاهها، تا کشیده شدن فضای دانشگاهها به سراسر جامعه و پیوند علنی و اجتماعی دانشگاهها و جنبش کارگری و جنبش حق زن، از «دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب (دب) دهه هشتاد، همبستگی جنبش رادیکال جوانان با جنبش «شورایی» در جنبش کارگری و بالاخره پاسخ این جنبش اجتماعی به «انقلاب فرهنگی» خونین جمهوری اسلامی در ایران با خیزشهای انقلابی و برابری طلبانه که متاخرین آن خیزش انقلابی «زن زندگی آزادی» بود، یادآوری و مشاهده شود. تا در مقابل فشار ارتجاع اسلامی در قدرت و جریانات ضد کارگری در اپوزیسیون برای دادن تصویری شکست خورده از «بی حاصلی» تلاش های نسل های متعدد مردم آزادیخواه و برابری طلب، چپ و سوسیالیست در ایران، واقعیات ابژکتیو و غیرقابل انکار را به همگان یادآور شد و تصویری واقعی از قدرت مردمی، قدرت جوانان، قدرت زنان و قدرت کارگری را، به مناسبت و بهانه سالگرد شانزده آذر، بدست داد. تا بر سکوی قدرتمندی که جنبش رادیکال، چپ و سوسیالیستی، که دانشگاه ها همواره یک سنگر مهم آن و روز دانشجو نهاد آن بود، ایستاد و امکان پیشروی های بیشتر در راه آرمانهای انسانی، آزادی و برابری را باز کرد.

جنبش برابری طلبانه در میان نسل جوان از نسل های پیشین خود دریافت کرد، آموخت و راه خود را باز کرد و تحویل نسل بعدی داد. این واقعیت مکانیزم سوخت و ساز در جنبش های اجتماعی، غیر سکتی و غیرمذهبی است که نه به ایدئولوژی و نه تاریخ های فردی و شخصی پرسوناژهایش، که به رویدادهای مادی گره خورده است که قابل تغییر نیست.

میگویند که در ایران امروز پس از «جنبش زن زندگی آزادی»، که بساط حجاب و تعرض رسمی و علنی افسار گسیخته به زنان و جوانان و نوجوانان عملاً جمع شده است! علیرغم فشار فقر و بیکاری و گرانی و بی آبی و دستگیری ها و اعدام ها و احضارهای از «لاعلاجی» حاکمیت، شادی و قرار دادن شور زندگی در مقابل مرگ و جنگ و نیستی و .. فضای شهرهای اصلی ایران و محیط های جوانان را اشغال کرده است! گفته میشود در ایران شاهد رنسانس فرهنگی هستیم که عملاً به حاکمیت تحمیل شده است! رنسانسی که نه حاصل «فرم» های نیم پز و «ناموجود» از بالا که حاصل تغییرات به زور و با جنگ و جدال و شورش و .. از پایین به ارتجاع حاکم تحمیل شده است.

این تغییرات مهم و تاریخی، به آن رنسانس گفت یا نه، در دوره ای اتفاق می افتد که در کانون «تمدن» آن، غرب، یکی پس از دیگری دستاوردهای بشریت متمدن، دستاوردهای جنبش های مترقی، کارگری، زنان، امنیت شغلی و حق اعتصاب و اعتراض و آزادی بیان و اجتماعات و تشکل های مردمی، حق زندگی و ممنوعیت تبعیض و نسل کشی و .. زیر لگد قدرت های مرتجع حاکم، از کشورهای اروپایی تا آمریکا، وحشیانه مورد تعرض قرار گرفته است. دوره ای که این لگام گسیختگی در خود غرب با واکنش و مقابله ای همه جانبه روبرو شده و پایین جامعه، طبقه کارگر و نسل جوان آزادیخواه در این کشورها را به بازیگری جدی در باورهای رایج تا کنونی، به فاصله گرفتن از سیستم پارلمانی و احزاب سنتی و دمکراسی نیم بند غربی واداشته است و چگونگی نجات بشریت از سیستم کاپیتالیستی کنونی در خود غرب را به سؤال اصلی در مقابل جامعه بشری تبدیل کرده است. بر متق چنین اوضاعی در جامعه ای که تحولات رادیکالی را از سر گزارنده است و جنبش سوسیالیستی و برابری طلبانه طبقه کارگر رنگ خود را بر سیمای سیاسی جامعه کوبیده است و دانشگاه یکی از سنگرهای مهم آن بوده است، روز دانشجو، قدرت مردمی در ایران، پیشروی های جنبش کارگری و رادیکال در ایران و دستاوردهای تلاش ها و جدال های دهه های خود را، باید گرامی داشت! باید آن ها را مرور کرد، ضعف دشمن و قدرت خود را یادآور شد و راه پیشروی های بیشتر خود را باز کرد!

گرامی باد تلاش چهار نسل از جوانان و دانشجویان برابری طلب در ایران  
زنده باد آزادی و برابری

حزب حکمتیست (خط رسمی)  
۶ آذر ۱۴۰۴ - ۲۷ نوامبر ۲۰۲۵

## کارگران!

**کمونیسم ابزار مبارزه شما است!**

**کمونیسم را ابزار مبارزه خود کنید.**

---

## کارگران کمونیست!

**حزب ما سنگر اتحاد و تشکل حزبی**

**شماست؛ حزب را از آن خود کنید!**

میان بیش از پیش قابل مشاهده است این است که کارگران و بخش وسیعی از مردم دیگر حاضر به پذیرش تحمیل بار وضعیت وخیم اقتصادی و اجتماعی بر دوش خود نیستند.

اعتصاب سراسری سه روزه در بلژیک، در مرکز دستگاه های اداری و اجرایی اتحادیه اروپا، و اعلام آمادگی و اراده کارگران برای سد بستن در مقابل این حمله به دست آوردها و حقوق خود، بار دیگر زنگ خطری رسا در مقابل بورژوازی حاکم را به صدا درآورده است. این موقعیت و شرایط متفاوتی است، دوره ای است که علائم پایان امکان سوار شدن راست افراطی بر موج اعتراض ساختارشکنی عمومی را بر خود دارد. در حالیکه نیروهای این راست افراطی با گردهم آیی «جنبش پوپولیستی» در بلژیک در این ماه حزب خود را «ترامپ» نامیدند، این اعتصاب سراسری نشان داد که طبقه کارگر و مردم در بلژیک نه به دنبال این راست، بلکه با مقابله علیه سیاست های ریاضت اقتصادی و تفرقه افکنانه دولت، خود را در کنار و همراه با اعتراضات عمومی اخیر در اسپانیا، ایتالیا و فرانسه و در یک جبهه واحد و سراسری می بینند. این دوره، در بستر خود حاکی از شرایطی است که فرصت و امکان حضور و قد علم کردن کمونیسم و کارگر را در جامعه بسیار فراهم تر از دوره های قبلی کرده است.

لایحه بودجه دولت به این ترتیب نشانگر توافق میان حکومت برای پیشبرد این سیاست بود که اخیرا در پارلمان بلژیک به تصویب رساندند، امری که گستردگی اعتصاب این هفته به همان اندازه نشان داد که کارگران و مردم بلژیک نه تنها به رسمیت نمی شناسند، بلکه در مقابل، آماده ادامه مقاومت علیه آن هستند. اتحادیه کارگران خدمات عمومی برای نمونه رسماً از این اعتصاب به مثابه شروع و نه پایان اعتراضات نام برده است و با محکوم کردن این حمله خشونت بار دولت اعلام داشت که چنین میزان بالای همبستگی و توافق میان نه تنها اعضا اتحادیه، بلکه عموم کارگران و مردم بلژیک، بایستی به دولت فهمانده باشد که تحمیل کار بیشتر و درآمدهای کمتر قابل قبول این جامعه نیست. تحمیل ریاضت اقتصادی البته محدود به بلژیک نبوده و نزدیک به یک دهه است که در دیگر کشورهای اروپا نیز سیاست رسمی دولتها است. و مستقل از اینکه این دولت ها دست احزاب راست افراطی، میانه، سوسیال دمکرات سابق و یا هر آنچه خود را می نامند، باشند، و علیرغم اختلاف هایی که با هم دارند، همگی در عمل یک سیاست را به پیش می برند. آنچه در این

## (در انتظار) طوفان در شورای عالی کار!

مصطفی اسدپور

شنبه اول آذر ماه مذاکرات دستمزدی سال ۱۴۰۵ استارت خورد، و بدین ترتیب اخبار مربوط به شورای عالی کار هر روزه و تقریباً ۳ تا پنج بار در روز در سیستم جستجوی اینترنتی در دسترس علاقمندان قرار دارد. سایت خبری سرانه با عنوان «حقیقت تلخ امروز» مراجعین خود را به چند صفحه از رویدادهای شورای عالی کار میبرد تا در متن گفتگو با علی خدایی از جزئیات اخبار از درون در شورا آشنا کرده باشد.

گفتگوهای مفصل با علی خدایی عضو گروه کارگری شورای عالی کار که در میان خبرگزاریها دست بدست میچرخد، هم‌ا‌ما به نگرانی و گمانه زنی های او در چهارچوب مذاکرات چند ماه آتی در شورا دور میزند، و نظرات و گمانه زنی در حول و حوش رقم دستمزدی قابل مذاکره را شامل میشود. ایشان مفصلاً در مورد مخاطرات جدی از تحریم و فضای جنگی؛ از تورم؛ از جهش قیمت ناشی از افزایش قیمت حامل های انرژی و مشخصاً گرانی بنزین؛ از استیضاح بازی مجلس در سرنوشت میدری وزیر کار میگوید. او به نمایندگان و وعده های دولت و به نمایندگان بی اعتماد است و توضیح میدهد که خر خود را میراند.

در کل مندرجات خبرگزاری های اینترنتی، یکی پس از دیگری، کوچکترین اثری از کارگران به چشم نمیخورد. و این دقیقاً خاصیت و فلسفه وجودی شورای عالی کار است که کارگران را جز در حواشی دور افتاده «درد دلها و گلایه از بد عهدی مسئولان» به اندازه کافی از «طوفان» دور نگه دارد. شورای عالی کار از منظر کارگران یک مکان، مسئولان معین و یک کارکرد با مشخصات و آدرس معین نیست، یقه ای نیست که بتوان گرفت، وعده و مسئولیت تعریف شده ای نیست که بشود مورد مواخذه قرار داد، عزلش کرد، عوضش کرد و ... و درست به همین دلیل بخودی خود بزرگترین مخاطره و زنگ خطر برای موقعیت دشوار کار و زندگی طبقه کارگر باید به حساب بیاید.

کارکرد شورای عالی کار چیست؟ خاصیت آن برای کارگران کدامست؟ کسی نمیداند ولی این تعریف هر چه باشد، قطعاً این ابزار کوچکترین بهبود و برای افزایش دستمزد در مقابل حملات دائمی از هر سو به توقعات و حقوق کارگری، همان چیزی که به اسم مبارزات اقتصادی و صنفی کارگری شناخته میشود هم نیست. شورای عالی کار و تمام تشریفات آن برای دور کردن کارگران از هر گونه امید و تلاش برای و پافشاری بر سر دستمزد پایه و دفاع از موجودیت و کرامت خود است.

مشکل طبقه کارگر ایران توهم به این ارگان نیست. مشکل طبقه کارگر ایران دست کم گرفتن شورای عالی کار است. دست کم گرفتن قدرت، اعتبار خواست و اراده، دست کم گرفتن اتحاد و توانایی دفاع از خود است.

اولین قطعهنامه مجموعه چند کارخانه از کرج و قزوین در تصویب و اعلام دستمزدها و با اولین اجتماع در دفاع از دستمزد اعلام شده تهران را روی سر خواهد گذاشت. این در گرو آنست که سنت های کارگری در مسئله دستمزد کارگران از مدتها قبل تصویر روشن و تقریباً یکدستی از پانچه در فصل دستمزدها آبیست است را طنین انداز کرده باشد. بحث دستمزدها از عالم رمل و استخاره و دعا و شرط بندی خارج و به جنگ و گریز خیابانی تعلق خواهد داشت.

بگذار از کارگران و خود کارگران از دستمزدهایشان بپرسند

## برابری

**برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی در دسترسی به ابزار های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.**

## ممنوعیت «قیمت گذاری دستوری» (رئیس جمهور که اقتصاددان نمیخواست باشد!)

روز دوم آذرماه را باید روز تعرض تاریخی طبقه سرمایه دار در ایران ثبت کرد. دولت پزشکیان رسماً و مستقیماً پایان دخالت دولت در تعیین قیمت کالاها در بازار را اعلام داشت. «اقتصاد دستوری» و مشخصاً قیمت گذاری بر روی کالا توسط دولت و از بالای سر سرمایه مربوطه، مهمترین شاخص دخالت دولتی و از شرط و شروط جدی سرمایه ها در تمام سطوح (از بازارچه های محلی تا بورس؛ از قیمت اتومبیل وارداتی تا محصولات کشاورزی) همواره مورد انتقاد آتشین بورژوازی بوده است. روز دوم آذر ماه صفحه اول تمامی رسانه ها یادآور یک سر یل تعرض تاریخی برای بورژوازی در ایران بود: «آزادی کالاها، آزادی قیمت ها! دست دولت از قانون «طبیعی» جامعه آزاد در گردش چرخهای تولید و اقتصاد کوتاه!»

اول، آنچه در مورد این مناسبت گفته شد؛ در هنگامه دروغ و شانتاژ علیه مردم زحمتکش، حمله علیه حقایق زندگی اکثریت بزرگ توده مردم کارگر؛ از «قیمتهای دستوری» تا «بازار دستوری» و «خریدار دستوری»! به سختی ممکن است درباره اهمیت عملی این توافقنامه به تفحص پرداخت. در بلبشو «بازار کالا» تا آنجا که به نیازمندیهای توده مردم و زحمتکش مربوط است در همدستی مستقیم دولت و شرکای سرمایه دار؛ در ابعاد ویرانگر گرانی و تورم، سیاه تر از آنچه هر روز همه شاهد آن هستیم، جای هیچگونه اغراق وجود ندارد. دولت روشن نمیکند که لیست اجناسی که بنا به دخالت دولت ارزاتر به دست مردم رسیده است، و با برعکس لیست اجناسی که کارفرمایان میتوانستند گرانتر از آنچه در بازار فروخته شده (و بر فرض بدلیل قیمت دستوری به زیر کشیده شده) بفروشند و سود بیشتر به جیب خود سرازیر کنند، کجاست؟

مگر نه اینست که بازار سیاه و غیر رسمی؛ شبکه مافیایی احتکار و گرانی مستقیماً در همدستی و زیر نظر دولت اداره میشود؟ مگر نه اینست که به حکم واقعیت ساده هرگونه ادعای دسترسی به قیمت «واقعی» کالاها جز یاهو گویی محض و شارلاتانیسم نمیتواند باشد؟ چگونه است که سیل بی وقفه حقایق تکان دهنده از اشاعه بی امان فقر و گرانی و احتکار مستقیماً ناشی از انفعال پاستور، پس از ماه ها بازی حول «رئیس جمهوری که اقتصاد دان نبود» و بدنبال ماه ها بشارت «دخالت متخصصین و نخبگان عالییه اقتصادی»؛ امروز با اعتراض و طومار محکومیت از طرف مدعیان «وجدان بیدار» رسانه ای جامعه رویو میشود؟ رمز این قیمت های دستوری چه میتواند باشد که در تکرار یک کلمه جادویی و من درآوردی، پژواک فریاد توده های میلیونی زیر خط فقر این چنین دفن میکند؟

«نبوغ» نهفته در ابداع «قیمت گذاری دستوری» هر چه میخواهد باشد، اما مطلقاً هیچ چیز نمیتواند مسئولیت بلافاصله دولت در مقابل قیمتتهای جهنمی و افسار گسیخته را پنهان کند. «دستور زدایی از اقتصاد» و لهله کارفرمایان مطلقاً ربطی به میلیونها بازنشسته و دهها میلیون کارگر، از مراکز صنعتی تا کارگر فصلی و بیکار، اسیر منگنه تبعیض ندارد. جواب اعتراض و مطالبات و انتظارات آنها را چه کسی پی خواهد گرفت؟

در تمام قریب یکسال از دولت حاضر، صرف شده در تو در توی دستوراتی که هرگز جزئیات آن هویدا نشد جل و پلاس معیشت و درمان و اسکان و آموزش پرورش میلیونها مردم زحمتکش یکی پس از دیگری به خیابانها ریخته شده است. از قرار معلوم کسی از اردوی سرمایه با پدیده زمینی تر، «مشتی دستوری» هیچ مشکلی ندارد. کسی هست سوراخ دعای گمشده بدنبال «دستور» و «اجبار» را به ساکنان عمارت پاستور نشان دهد؟ مدال «ما اهل دستور نیستیم» یک سر سوزن از کیفرخواست توده میلیونی علیه دولت و علیه دستوراتی که مردم زحمتکش را کت بسته به صف کشیدن در پشت درب مطب و فروشگاه ها مجبور کرده است؛ به خرید اجناس تعیین شده نامربوط شارژ شده در کارتهای اعتباری وادار میساخت؛ در تلکه و جیب بری رسمی قرعه کشی خودرو سازها در صفوف چندماهه گرفتار مینمود را کم نخواهد کرد. چرا کسی به فکر انتشار شرح حال مختصری از کارفرمایان ایرانی و کیسه گشاد آنها در گذر شرایط بحران و تحریم و جنگ میافند؟ در تکمیل شرح رویدادهای هیجان انگیز دوم آذرماه نیاز اعضای هیئت دولت به مطالعه

حقایق کوچه بازار، گیریم هر چقدر «دستوری» هم که باشد، دیگر غیر قابل اغماض است.

دوم: مهمتر از هر چیز، آنچه در موردش سکوت میشود: «دستمزد های دستوری»!

در صفوف بورژوازی ایران انتظار کوچکترین اثری از شرم و وجدان مطلقاً بیهوده است، در خروار روده درازی های در مذمت دستور در اقتصاد، و مذمت دخالت دولت، حداقل در جستجوی کامل در صفحات بیست و دو روزنامه معتبر صبح و عصر سراسر کشور، هنوز هم هیچ اشاره ای به مساله محوری اقتصاد سیاسی سرمایه در ایران در طول سه روز بعدتر بچشم نمیخورد: دستمزدهای سراسر تحمیلی، زورگویانه و دستوری!

بدون تردید دستمزد کارگران رایج ترین و پایه ای ترین نمود کالایی جامعه سرمایه داری است. و باز بدون تردید رقم زدن قیمت نیروی کار کارگر هر ساله در تشریفات مسخره و فرمایشی و در تحقیر همه ساختار شورای عالی کار، در غیاب هر نشانی از اختیار صاحبان این کالا یعنی خود کارگران به هیچ وجه نمیتوانست از توجه دو طرف اصلی این بازار یعنی دولت و کارفرمایان، درست در معرکه «دستورزدایی» دوم آذرماه پاستور دور بماند.

حقیقت این است که در مراسم و تشریفات گستاخانه «تعیین دستمزد سالانه»، تمام «ماینندگان» انتصابی و بی اعتبار کارگری، در ماموریت از طرف دشمنان قسم خورده کارگران، در سرکوب عنان گسیخته هر تک رگه دخالت اراده و انتخاب خود کارگران در کنار کارفرما قرار میگیرند. کل تشریفات آشکارا و دروغین «تعیین دستمزد» با دخالت و همراهی مستقیم شرکای کارفرمایی دولت صورت میپذیرد، زیر سیطره ممنوعیت تشکل کارگری، تجمع و اظهار وجود هر نوع امکان دخالت و پیگیری از طرف توده کارگر غیر ممکن شده است و این پروسه متکی بر زور و استتار چاره ای جز تسلیم را در مقابل کارگر قرار نمیدهد. در این شرایط و درست در هنگامه ستایش از «جامعه آزاد» سرمایه داری و «حق طبیعی و مسلم» سرمایه در تعیین قیمتتهای دلخواه؛ این حق کارگر و اعتصاب است که برای چندمین بار قربانی میشود!

اهمیت توافقنامه «دستورزدایی» دوم آذرماه تنها در بیرون انداختن ماهیت انگل بورژوازی در ایران بود و بس. یکبار دیگر و در دل شرایط بحرانی و در تند پیچ مخاطرات بسیار، بورژوازی ایران در معرض عموم ایستاد و برهنه تمام مظاهر وجودی این طبقه را با تمام چرک و کثافت و بهره کشی را به نمایش میگذارد. بورژوازی در توطئه علیه کارگر چه زیر علم راست پرو امریکایی و چه زیر علم نتانیاهو چه در اپوزیسیون و چه در پوزیسیون چیزی جز حقارت در بساط ندارد.

و بالاخره یک چیز را نباید از قلم انداخت. بدون حضور و دخالت دستگاه سرکوب در مراکز تولیدی، کل این صف با یک تعرض کارگران کنار زده میشوند؛ بز اقتصادمابانه، علم و کتل «توسعه» و «عمران» را نباید جدی گرفت. این همان امری است که اتفاقاً پزشکیان، با هدف بازار گرمی دو طرفه، به آن امید بسته است. این پرچم پیشتر در دوره روحانی با رسوایی و شکست امتحان خود را پس داده است. آن موقع اعتصاب هفت تپه بساط دردانه های سرمایه پرور از نوع اسدیگی را در تمام فضای سیاسی و اقتصادی در هم پیچید و کنار زد.

نوبت «باید» های طبقه کارگر است که در کل جامعه طنین انداز گردد، دستمزد ها بهترین فرصت است. دوره نه گفتن طبقه کارگر به فقر و تعرض هر روزه به معیشت خود و بخش محروم جامعه و دوره نه گفتن به تصمیمات دولت و بورژوازی ایران برای سود بیشتر به قیمت تباہ کردن زندگی دهها میلیون کارگر است. بساط این تعرض افسار گسیخته را با «قیمت گذاری دستوری» و غیر دستوری باید جمع کرد. تأمین معیشت طبقه کارگر و تأمین زندگی امن و مرفه پرچم مطالبات جامعه کارگری برای کل کارگران و اقشار محروم است. اما قبل از هر چیز افشای خزعبلات «دستور زدایی» را در رسوایی و حمله به دولت و بورژوازی ایران؛ در نقد بیرحمانه اردوگاه ضد کارگری را نباید از دست داد.

## بنزین- گیت جمهوری اسلامی

مصطفی اسدپور

جمهوری اسلامی در مقابل وسوسه اسکناسهای حاصل از گرانی بنزین بیشتر از این دوام نیاورد. همه فکر و چاره اندیشی حضرات جز به آسانترین راه ممکن قد نداد. مدتهای طولانی از ارزیابی مخاطرات نه در پشت بلکه جلوی صحنه نشانه وقوف مقامات بر سر عواقب دشوار این تصمیم برای توده مردم است. هر کودک دبستانی میتواند توجهات و وعده های دروغین مقامات را تشخیص دهد. توجیه و بهانه ها هر چه باشد در جلوی صحنه کمترین نشان از تلاش برای یافتن آلتناتیو دیگر را نمیتوان یافت. مخالفین از صفوف خودشان نقش هنرپیشه دوم در برجسته کردن بزغ بهادر نقش اول فیلمی است که به تماشایان از قبل قهرمان یکدنده و پیروز را با بلیط سینما فروخته اند.

برای دولت پزشکیان در درجه اول عقب راندن انتظارات مردم زحمتکش و توقعاتی است که در میان مردم طبقات محروم زیر فشار خرد کننده شرایط دشوار جاری و ناشی از تحریم و جنگ و گرانی و قحطی شکل گرفته است. پزشکیان در صحنه بین المللی و در مقابل «بیگانگان» التماس میکند تا او را آدم حساب کنند؛ او در مقابل توده مردم خودی همه پل ها را از پیش خراب کرده است.

تصمیم بنزین دولت توده مردم را با مخاطرات بزرگی روبرو خواهد ساخت. این دولت نه توان، نه ظرفیت آنرا دارد و نه میخواهد نقش سازنده ای را در این مسیر بعهده بگیرد. جمهوری اسلامی از مردم عاصی بیشتر میتزسد و امروز دست پیش میگیرد. موج شایعات و دروغ و صحنه سازیهای ناشیانه را برای امروز لازم داشت. مساله نه بنزین است و نه کسر بودجه؛ مساله جمهوری اسلامی نشان بیشترین انسجام در صفوف خود و بیشترین شکاف و ناباوری ممکن در صفوف مردم است. جمهوری اسلامی روی نا آمادگی، صفوف پراکنده در میان مردم حساب باز کرده و در ادامه با دهن کجی آشکار در پی پروکاسیون در صفوف مردم و حفظ ابتکار عمل است.

این بنزین گیت جمهوری اسلامی برای آن به قیمت سنگینی تمام خواهد شد. همان نیروی بزرگی از توده مردم که در پشت کردن به اتحاد اپوزیسیون راست سلطنت طلب و حمله نظامی اسرائیل- امریکا دندان بهم فشردند؛ دیگر هیچ دلیلی برای انتظار نخواهند داشت. مردم آب و برق و نان نیاز داشتند، جمهوری اسلامی با مصوبه بنزین، تنها وسیله همیاری مردم را از آنها سلب میکند.

بنزین گیت جمهوری اسلامی در عمق نکبت بار بازی با شعور مردم است؛ عزت نفس توده کارگر و زحمتکش را تحقیر میکند. این صحنه ها را هیچ مردمی و هیچ کجا نپذیرفته اند. سکاس های این بازی آخرین و بزرگترین نقشه فرار حکومت از سرنوشت نکبت باری خواهد بود که در آن جغرافیا در غلیان است.

### نسیم سوسیالیسم...

نشان از این است که اکثریت زحمتکشان از بی عدالتی و نابرابری خسته اند و علیه آن برخاسته اند و این خیزش را در رای های خود به جریانی که خود را سوسیالیست می نامد نشان می دهند.

بدون شک هم زهران ممدانی مسلمان و هم حزب چپ سوسیالیست دانهارک فاقد آرمان و افق سوسیالیسم مارکس و جامعه ی آزاد و برابر اند. اما حداقل دریافته اند که برای پاسخ به ورشکستگی نظام تبهکار سرمایه و بازار آزاد افسار گسیخته، چاره ای جز توسل به سوسیالیسم و آویزان شدن به آن نیست. این نشان از حرمت سوسیالیسم و کمونیسم و برابری طلبی است که بیش از یک قرن پیش مارکس اینطور تعریف کرد: «شبحی بر فراز جهان در گشت و گذار است، شبح کمونیسم!»

بورژوازی همه ی راه های استثمار روزافزون طبقه کارگر و حفظ نظام بردگی مزدی را امتحان کرده است. از چند دهه پیش دولت های بورژوایی از هر گونه مسوولیت آزادی و رفاه و عدالت جامعه شانه خالی کردند و سرنوشت بشر را به بازار آزاد و بیرحم نظام سرمایه و سود سپردند.

بورژوازی غرب که پس از فروپاشی بلوک شرق دموکراسی را پیروز و تنها راه اداره جوامع بشری و ازلی-ابدی معرفی کردند، حساب امروز را نکرده بودند و انتظارش را نداشتند.

زمانی هم سوسیال دموکراسی بعنوان نظام اداره جامعه و برقراری عدالت اجتماعی و «دولت رفاه» برای بشر مطلوب تعریف شد. اما طولی نکشید سوسیال دموکراسی از ارزش های خود دست شست، عقب نشست و در جناح چپ احزاب بورژوایی در پارلمان و دولت قرار گرفت و تسلیم دموکراسی بورژوایی و بازار آزاد و لیبرالیسم نوین گردید. با همزیستی و همگون شدن سوسیال دموکراسی با جناح راست بورژوایی، در واقع سوسیال دموکراسی از محتوای عدالت اجتماعی و رفاه انسان تهی شد.

صرفنظر از این که میدیای بورژوازی در مورد تحولات اخیر که آن را دوران نوین می نامد چه هدفی دارد و قطعاً هدفش استقبال از سوسیالیسم حتی در همان حد اسلامی ممدانی و حزب چپ سوسیالیست دانهارک هم نیست، اما بخواهند یا نخواهند جوامع بشر امروز خواهان پایان دادن به یک دوره طولانی یک تازی نظام سرمایه و سود و تبعیض و استثمار و ستم و نابرابری است. به این معنا انسان بپاخاسته به پایان این دوره نزدیک میشود. دوران جدیدی در حال آغاز است.

نسیم سوسیالیسم در حال وزیدن است. ترامپ و جریان فاشیست بورژوازی امریکا تلاش زیادی کردند و ممدانی را کمونیست نامیدند تا به خیال خود مردم را از کمونیسم بترسانند.

اما نتیجه عکس این تصور باطل بود. بطوریکه ترامپ نماینده ارتجاعی ترین جناح بورژوازی امریکا ناچار شد با ممدانی که دیروز او را او را تهدید می کرد و «کمونیست» نامید، به خوش ویش بنشیند و به پاسخ دندان شکن مردم به لاطاللاتش «ولو به شیوه شرمگینانه و بیچیده در لفافهزلیات خود»، اعتراف کند.

اکنون که راست ترین جناح بورژوازی حاکم جهان، مجبور به کرنش در مقابل سوسیالیسم شده و پروپاگاندا ضد کمونیستی اش دیگر خریدار ندارد، زنان آن فرا رسیده است که طبقه کارگر جهانی و زحمتکشان فرودست سوسیالیسم واقعی را به عنوان آرمان و هدف نهایی و رهایی خود انتخاب کنند.

کارگران و زحمتکشان امریکا در نیویورک بزرگ ترین شهر این کشور در واقع به اسلام ممدانی رای ندادند، بلکه به ادعای سوسیالیست بودن او و شعار عدالت اجتماعی و تامین معیشت و رفاه جامعه رای دادند. به افسار زدن به تعرض لجام گسیخته ی نظام استثمار و کار مزدی... رای دادند.

امروز زمان آن رسیده است که طبقه کارگر و کمونیسمش، سوسیالیسم را انطور که خودمخواهد تعریف کند و در سنگر پوپولیسم و نقد ابکی نظام پلید سرمایه داری و بازار آزاد از جانب جریانی که خود را سوسیالیست مینامد اما با سوسیالیسم علمی مارکس فاصله عمیق دارد، متوقف نشود. چپ رادیکال از نوع ممدانی و حزب چپ سوسیالیست دانهارک هنوز پاسخ خواست انسان امروز برای رهایی کامل از بردگی مزدی و استثمار و تبعیض و ستم و رقابت میلیاردها و کارتل ها و مافیای اقتصادی و زخم های این رقابت و جنگ هایشان بر بدن بشریت برای سود بیشتر، نیست.

نسیم سوسیالیسم علمی و واقعی مارکس در حال وزیدن است. میلیاردها انسان تشنه ی آزادی و برابری به دوران نوین طلوع آزادی و برابری قدم میگذازد. سوسیالیسمی که همه ی عفونت های نظام بردگی مزدی و استثمار انسان و حاکمیت سیاه سرمایه و سود و تبعات ویرانگر کاپیتالیسم تبهکار را به گور می سپارد و بر ویرانه ی آن جامعه ی سوسیالیستی آزاد و برابر بنیان میگذازد!

زنده باد سوسیالیسم

آزادی، برابری، حکومت کارگری

# نينا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نينا  
radioneena.com

اینستاگرام  
instagram.com/radioneena

تلگرام  
https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک  
facebook.com/radioneena

hekmatist.com

تماس با حزب

@Hekmatistx

دبیر خانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: آذر مدرسی

## کرانه باختری: شرکت جبهه متحد کارگری در تجمع «روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان» و حمله ارتش اسرائیل

جبهه کارگری متحد برای دفاع از مردم فلسطین در فعالیت مرکزی آغاز کارزار «۱۶ روز مبارزه با خشونت علیه زنان» در ۲۵ نوامبر شرکت کرد؛ این برنامه در شهر طولکرم در کرانه باختری و با مشارکت گسترده‌ای مردم از استان‌های مختلف فلسطین برگزار شد.

در جریان این تجمع، چندین گفت‌وگوی رسانه‌ای با رفیق محمد علوش، دبیر جبهه کارگری، انجام شد. او بر اهمیت مقابله با سیاست‌های اشغالگری و جنگ وحشیانه آن علیه مردم فلسطین و همچنین هدف قرار دادن سیستماتیک زنان فلسطینی تأکید کرد. وی بر لزوم تقویت حقوق زنان، فراهم کردن حمایت اجتماعی برای آنان، و پشتیبانی از مبارزه عادلانه‌شان برای آزادی، عدالت و برابری تأکید نمود.

رفقایمان نیز در جریان این فعالیت، بیانیه‌های جبهه متحد کارگری و اتحادیه نضال کارگران فلسطین را میان شرکت‌کنندگان توزیع کردند؛ اقدامی در راستای انتشار موضع کارگری و مردمی در حمایت از حقوق زنان و تأکید بر ادامه تلاش‌های مردمی و صنفی برای مقابله با هرگونه خشونت و تبعیض و نیز تقویت نقش پیشرو زنان در مسیر مبارزه برای حقوق ملی و اجتماعی مردم فلسطین.

پس از آن، راهپیمایی بزرگی برای شکستن محاصره و محدودیت‌های اعمال شده از سوی اشغالگران اسرائیل بر اردوگاه طولکرم برگزار شد. در این مسیر، نیروهای اشغالگر با حمله به شرکت‌کنندگان و شلیک گازهای اشک‌آور، راهپیمایی را که با حضور مشارکت‌کنندگان از چندین استان کرانه باختری همراه بود، متوقف و جمعیت را متفرق کردند.

جبهه متحد کارگری در دفاع از مردم فلسطین  
۲۶ نوامبر ۲۰۲۵

